



## نگاه امروز

در حاشیه انعقاد قراردادهای نفتی جدید

## فلسفه زیبایی دریل‌های مسی

حسن رضایی

ما در جهان پیچیده‌ای زندگی می‌کنیم؛ جهانی که هر روز بر پیچیدگی‌های آن افزوده می‌شود! آدم‌ها اما به دلیل تغییر سبک ارتباط و دریافت اطلاعاتشان، روز به روز سطحی‌تر می‌شوند. کنار هم قرار دادن این دو واقعیت متناقض می‌تواند معانی قابل تأملی داشته باشد. کتاب‌ها و منابع تحقیقی پر و پیمان، متأسفانه این روزها غریب‌ترین موجودات اطراف ما هستند. در جهانی که تغییر مدل موی لیونل مسی می‌تواند توجه نیمی از جمعیت جهان را به خود جلب کند، تقاضای کنکاش پیرامون زدوبندهای سیاسی - اقتصادی پدرخوانده‌های احتمالی فوتبال، می‌تواند موجبات خنده عمده طرفداران این ورزش مهیج باشد: «دریل‌های مسی رو دریاچه زیاد سخت نگیرا» ساده‌سازی وقایع پیچیده و مهم اما همیشگی می‌تواند شک‌برانگیز باشد، علی‌الخصوص اینکه استثماری سوسی پول و نفت، مهم‌ترین وجه آن رویداد را شکل داده باشد.

بسیار زنگنه چندی پیش ضمن حضور در صحن علنی مجلس در پاسخ به سوال نماینده‌های پیرامون بدعهدی تجربه شده شرکت فرانسوی و امکان تکرار آن در قرارداد جدید، خروج توتال از قرارداد در صورت اعمال تحریم‌های شورای امنیت علیه کشورمان را بدیهی دانسته و گفت: «این قراردادها باعث می‌شود ان‌شالله تحریم‌ها اتفاقی نیفتد». سابقاً استادی داشتیم که در انتقاد از روحیه کاری ایرانیان می‌گفت: «ما ملت ان‌شالله، ماشاءالله هستیم». حالا جناب زنگنه آنگاه اما چند پله از استاد شوخ‌طبع ما فراتر رفته، همزمان با سیل طرح‌های تحریمی نو به نو هم می‌گوید «ان‌شالله گریه است!» جناب زنگنه پیش از این شهرپور ۹۲ گفته بود: «با اصلاح ساختار قراردادهای امکان‌پذیر بیشتر برای مشارکت خارجی‌ها در توسعه میادین نفت و گاز فراهم می‌شود».

حالا اما منطق جدیدی برای چرب‌تر کردن سبیل توتال و واگذاری خارج از مناقصه میدان آزادگان به این شرکت فرانسوی مطرح می‌شود. گشودن چنین میدان‌های جدیدی در عرصه دیپلماسی اقتصادی (۱) البته اختراع جناب زنگنه و دوستان نیست. غور و تفحص در تاریخ معاصر کشور عزیزمان به ما می‌گوید سابقه تاریخی چنان تدبیری به واسطه دوره فتحعلی‌شاه بازمی‌گردد. ما البته در خلال یک بحث منطقی، قصد لن‌ترانی خوانی و کنایه‌زدن نداریم. بگذارید راحت‌تر حرف بزنیم. مسئولان محترم وزارت نفت می‌گویند ما نباید در پروسه استخراج گاز در میدان مشترک پارس جنوبی از قطر عقب بیفتیم و این تنها توتال است که می‌تواند ما را در انجام این مهم یاری کند. جناب زنگنه در صحن مجلس گفته است: «مگر با چند شرکت می‌شود قرارداد درجه یک بست؟» توتال پیش از این هم قراردادهای درجه یکی با ما در همین میدان گازی پارس جنوبی داشته است.

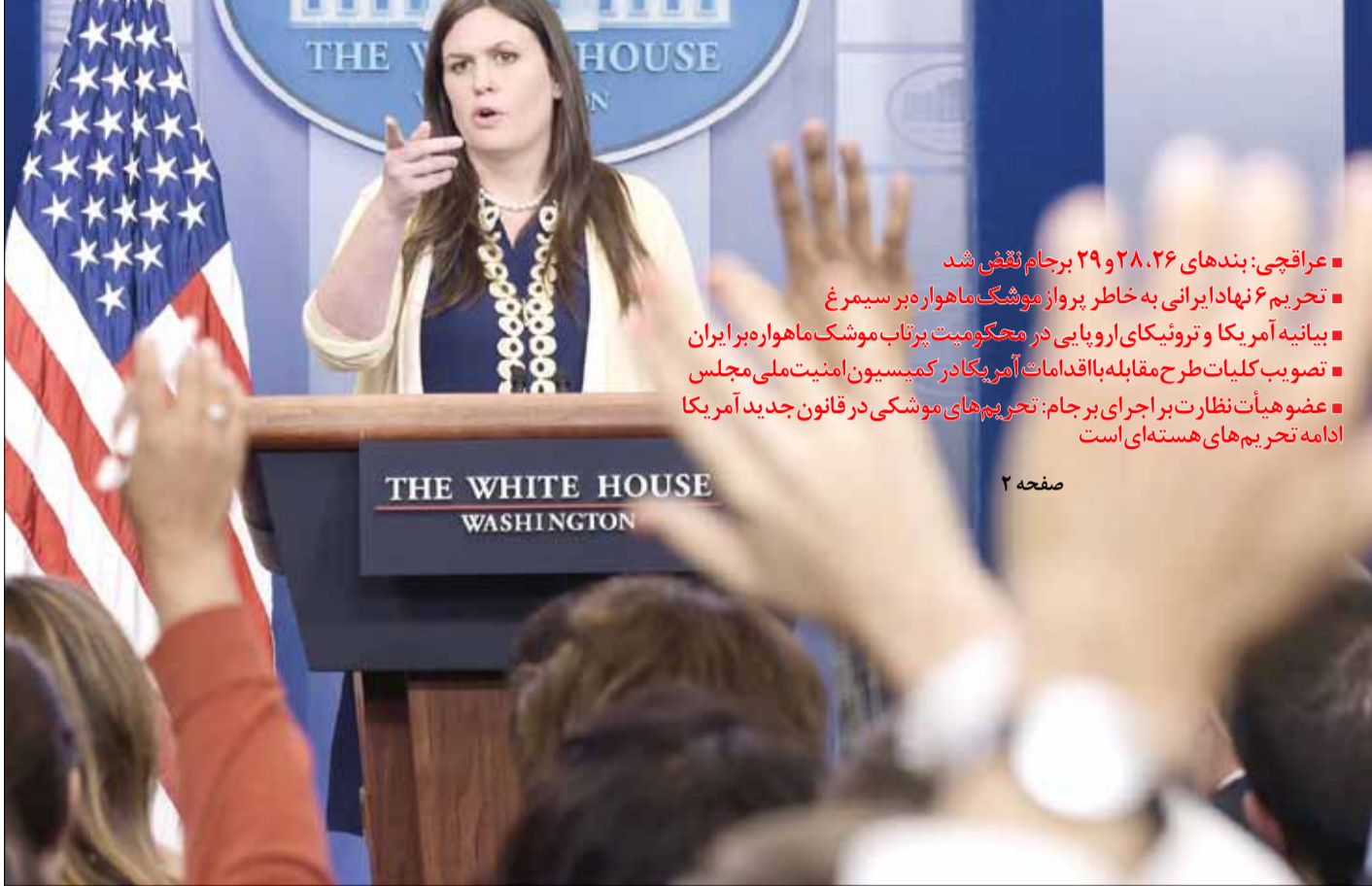
ما سال ۷۹ توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی را به همراه اطلاعات محرمانه میدان به توتال دادیم. شرکت فرانسوی ما ۸ سال ما را سر کار گذاشت و عملیات را شروع نکرد تا اینکه سال ۸۷ به بهانه ریسک بسیار زیاد سرمایه‌گذاری در ایران، یکطرفه عطای ما را به لقای ایفل بخشید و در رفت. در همان مقطع زمانی، فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی را نیز به توتال داده بودیم. توتال در اینجا عملیات را شروع کرد، البته به سبک خودش! سبک موسوم به توتالیته این بود که برداشت از لایه‌های مشترک ایران و قطر ممنوع است، چرا که این شرکت، همزمان به دلیل بیش‌فعال بودن، با قطر هم در همان میدان مشترک قرارداد داشت! حالا اجازه دهید به بحث شیرین فوتبال و لزوم شکرگزاری بابت زندگی در زمان حیات مسی (۲) بازگردیم. قطر چه جایگاهی در فوتبال جهان دارد که میزبان جام جهانی ۲۰۲۲ شده است؟ شاید بد نباشد به تلاش‌های قطر برای تصاحب میزبانی مسابقات دوومیدانی سال ۲۰۱۷ هم نگاهی بیندازیم.

بگذریم! نیازی به پیچیده کردن مساله نیست. بگذارید به برخی بدیهیات دیگر اشاره کنم. مطابق بیانیه وزارت دادگستری آمریکا در ۲۹ مه ۲۰۱۳ / ۸ خرداد ۹۲، توتال برای حل‌وفصل موضوع پرداخت رشوه به یک مقام دولت ایران، با پرداخت بیش از ۳۹۸ میلیون دلار جریمه موافقت کرده است.

ادامه از صفحه ۵

## اعلام موافقت رئیس جمهور آمریکا با مصوبه مادر تحریم‌ها

# کاخ سفید: ترامپ امضا می‌کند



عراقچی: بندهای ۲۶، ۲۸ و ۲۹ برجام نقضی شد

تحریم ۶ نهاد ایرانی به خاطر پرواز موشک ماهوار هبر سیم‌رغ

بیانیه آمریکا و ترونیکی‌ای اروپایی در محکومیت پرتاب موشک ماهوار هبر ایران

تصویب کلیات طرح مقابله با اقدامات آمریکا در کمیسیون امنیت ملی مجلس

عضو هیات نظارت بر اجرای برجام: تحریم‌های موشکی در قانون جدید آمریکا ادامه تحریم‌های هسته‌ای است

صفحه ۲

## هجو؛ فراموش شده‌ای تأثیر گذار

اسماعیل فضل‌زاده

در ادامه به نمونه‌ای از هجو عبید اشاره می‌شود. شیطان را پرسیدند: «کدام طایفه را دوست‌تر داری؟» گفت «لالان!»، گفتند چرا؟ گفت: «از بهر آنکه من به سخن دروغ از ایشان خرسند بودم، ایشان سوگند دروغ را نیز بدان افزودند».

در آثار هجو، بیان انتقاد بسیار اهمیت دارد. نقض حریم در هجو مربوط به حریم شخصی و حساسیت‌ها و خط قرمزهایی است که برای شخص مورد تهاجم اهمیت دارد. اما در هجو، اندیشه نقش چندانی ندارد، مگر آنکه اثر هجوآمیز از حالت شخصی خارج شود و هدف تهاجم نویسنده، گسترده‌تری اجتماعی و تاریخی پیدا کند.

مانند آنکه هجو یک امیر ستمگر، به گونه‌ای باشد که به موارد مشابه نیز دلالت کند. برخی از بزرگان ادب، متوجه این نکته بوده‌اند و برای هجو اشخاص مورد نظرشان، به جای اشاره به نام و مشخصات فردی آن شخص، جایگاه اجتماعی او را بیان کرده‌اند. در این شیوه، حافظ سرآمد دیگران است و هجوهای اجتماعی نیز دارد.

البته آثار حافظ به لحاظ اینکه از حالت شخصی بیرون آمده و گسترش اجتماعی یافته است، دیگر هجو محسوب نمی‌شود و نمونه‌ای است از طنزی که تکنیک‌های هجو در آن به کار رفته است. با توجه به ویژگی‌های هجو که در بالا بیان شد به نظر می‌رسد توصیه رهبری به شاعران مبنی بر استفاده از هجو در شعرهایشان نسبت به مستکبران و مدعیان دروغین دموکراسی و حقوق بشر بویژه حکام آل سعود و آمریکا بیشتر معطوف به نقد عملکرد آنها در زمینه‌های اجتماعی باشد، نه هجو قومیت‌های آنها.

این نوع سخنوری در ایران، توسط بزرگ‌ترین گویندگان فارسی چون رودکی، منوچهری، فردوسی، مولانا، سعدی، عبید زاکانی و حافظ به کار برده شده است. اشعار هیچ یک از بزرگ‌ترین گویندگان عرب نیز از هجو یا استهزا و تمسخر خالی نیست.

یکی از شاعران معروف صدر اسلام، خُتان بن ثابت بوده که از برترین شاعران عرب قبل از اسلام و اوایل اسلام محسوب می‌شود. خُتان شاعر چیره‌دستی در مدح و هجو بوده و بسیاری از دشمنان پیغمبر (ص) را به زبان هجو مورد انتقاد قرار داده است. نقل است ابوسفیان شعری هجو علیه پیغمبر گفته بود که حسان نیز شعر هجو بلند و کوبنده‌ای درباره ابوسفیان می‌گوید و پاسخی درخور به گزافه‌گویی‌ها و اهانت‌های وی به پیغمبر می‌دهد. در جنگ‌های مسلمانان شعر و هجو نقش اساسی ایفا می‌کرد.

با بررسی‌ها می‌توان دریافت شعر در بین اعراب و در دوران گذشته بویژه دوران پیغمبر از مهم‌ترین ابزار تبلیغاتی برای کارهای فرهنگی محسوب می‌شد. بعد از شاعرانی چون حسان، شاعران دیگری مانند فرزدق، کمیت و... هم بوده‌اند که اشعار هجو داشته‌اند و به بیان عیب‌های دشمنان اهل بیت می‌پرداختند. این نوع سخنوری در اروپا نیز به وسیله نویسندگان و اندیشمندان برجسته‌ای چون ولتر، رابله، پوپ، هراس و گهگاه به وسیله گوته و...

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۲۳۳۱



## یادداشت امروز

وقتی این دیپلماسی روی زمین ماند

## برجام، مادر تحریم‌ها و فرضیات بی‌اعتبار

زهرا طباطبائی

پس‌ابرجام است اما دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در اجتماعی کم‌نظیر با مجموع ۵۱۷ رای موافق نمایندگان مجلسین آمریکا برابر تنها ۵ رای مخالف، طرح «مادر تحریم‌ها» را علیه کشورمان به تصویب رساندند. واقعه‌ای جالب توجه که دقیقاً یک هفته پس از گواهی دادن دوباره وزارت خارجه آمریکا به پایبندی ایران به قبول و قرارهای برجامی، به وقوع پیوست و تحلیل‌های پس‌زمینه منجر به توافقات هسته‌ای را برای ثبت در تاریخ مجدداً باطل کرد.

این اجماع کم‌نظیر در هیات حاکمه آمریکا علیه ایران، با ۳ پیش‌فرض مهم توافق ژنو، لوزان و نتیجه نهایی مذاکرات که در قالب «برنامه جامع اقدام مشترک» یا «برجام» به‌دست آمد، در تضاد است. تیم مبدع و مجری دیپلماسی دولت حسن روحانی در سال ۹۲ سه پایه تحلیلی در دفاع از برنامه خود ارائه کرد:

الف- اختلافات میان هیات حاکمه آمریکا در موضوع ایران جدی است.  
ب- آمریکا و اسرائیل درباره پرونده ایران با یکدیگر متحدنیستند.  
پ- دموکرات‌ها خواهان عادی‌سازی روابط و صلح با ایران هستند.

امروز هر سه فرض مذکور بنسب بر واقعیات بروز یافته در ۲ سالگی توافق هسته‌ای، رد شده و جمهوری اسلامی ایران در آستانه روی کار آمدن دولت دوازدهم با شک و تردید به ادامه برنامه سیاست خارجی می‌نگرد، چرا که تغییر جهت دیپلماسی به سمت «مدارا با آمریکا و غرب» مطابق فرضیات ادعایی ظریف و همکاران نه‌تنها منافع ملی ایرانیان را تأمین نکرد، بلکه به رشد و گسترش دامنه تحریم‌ها و تضییع زمان و منابع کشور نیز در ببحوجه توقف قطار رشد و توسعه درون‌زا منجر شد. اکنون بسیار مهم است در مسیر تثبیت عبرت‌گیری از تجربه اعتماد به دیپلماسی ادعایی غربگرایان، به مرحله مسؤلیت‌پذیری در حوزه تحلیل کلان سیاست خارجی و امنیت ملی قدم گذاشته و با مرور فرضیات غلط، فضا را برای اصلاح جهت دیپلماسی کشور مهیا کنیم.

## دو گانه نامی

غربگرایان مدعی بودند توافق با آمریکا بر بستر مذاکرات دوجانبه و چندجانبه، منجر به تقویت به اصطلاح «صلح‌طلبان» عمدتاً دموکرات در داخل آمریکا شده و با تضعیف جنگ‌طلبان، در هیات حاکمه این کشور اختلافات جدی ایجاد خواهد شد. آنها انتظار داشتند بر بستر این فضای اختلافی با موج‌سواری دیپلماتیک در عرصه بین‌الملل، هم تحریم‌ها لغو و هم مسائل منطقه‌ای ما حل‌وفصل شود.

محدوجواد ظریف در تبیین استراتژی مذکور، ۱۴ مهر ۹۲ در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی گفته بود: سیاست وزارت امور خارجه بهره‌گیری از اختلاف در بین هیات حاکمه آمریکاست. کنگره آمریکا نظر مثبتی به دیپلماسی پارلمانی با ایران دارد اما تحقق این اتفاق نیازمند نظر مثبت رهبری است.

غربی‌ها مطابق برنامه به خطوط میانی این تحلیل عمل کردند و با بهره‌گیری از میل شدید غربگرایان در ایران به «عادی‌سازی روابط» با آمریکا، منافع خود را در مسیر دیپلماسی جدید تضمین کردند. پروژه‌ای که به سرعت از سوی رهبر حکیم انقلاب رصد شد و «نفوذ جریانی» با هدف تأثیرگذاری بر اهداف مسؤولان و نخبیگان کشور نام گرفت.

«وطن امروز» از ابتدای روی کار آمدن دولت حسن روحانی و پس از پخش اولین گفت‌وگوی تلویزیونی ظریف در صداوسیما که در آن به تبیین اختلافات موجود میان احزاب و گروه‌های مختلف آمریکایی و تمرکز بر آن حتی برای مهندسی ترکیب مجلسین ایالات متحده پرداخت (۱) سازی دوگانه «صلح‌طلبان و جنگ‌طلبان» را تاکتیک ویژه شورای روابط خارجی آمریکا برای اداره پرونده ایران و نوعی بازی «تروایی» حرفه‌ای ارزیابی کرد. بر همین اساس اسناد بودجه‌ریزی هنگفت «صندوق برداران راکفلر» و بنیادهای تابعه آنها تحت عنوان «صلح‌سازی» در موضوع ایران را فاش کردیم.

ادامه از صفحه ۵